خراسان روزنامه صبح ایران
سه‌شنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ . ۲۱ شعبان ۱۴۳۹ . شماره ۱۹۸۱۳

علی اصغر خان اتابک
(۱۲۸۶-۱۲۳۶ هـ.ش)

ملقب به امین السلطان، صدراعظم سه تن از شاهان قاجار بود. او پیش از رسیدن به مقام وزارت، مدتی مسئولیت آبدارخانه دربار را بر عهده داشت. اتابک پس از ناصرالدین شاه، مدتی وزیر مظفرالدین شاه بود، اما با اوج گرفتن جنبش مشروطه و پیروزی مشروطه خواهان، برکنار شد. او در دوره استبداد صغیر نیز، مدتی به مقام صدراعظمی رسید، اما توسط عباس آقا صراف تبریزی ترور شد.

طالع نحس ناصرالدین شاه؛ ترور در پنجاهمین سالگرد سلطنت

گروه اندیشه
info@khorasannews.com

حقیقت ماجرا این است که اگر در آن روز جمعه، ۱۲ اردیبهشت ۱۲۷۵، ناصرالدین‌شاه از رفتن به زاویه مقدسه عبدالعظیم حسنی(ع) منصرف می‌شد یا آن دو تیری که از ششلول روسی میرزا رضا کرمانی شلیک شد، به خطا می‌رفت و مثلا به پای شاه می‌خورد، حتما جشن پنجاهمین سالگرد تاجگذاری ناصرالدین‌شاه برگزار می‌شد و حالا مورخان به جای نوشتن از ماجرای شاه‌کشی میرزا رضای شاه‌شکار، حتماً جایی را برای جشنی باشکوه باز می‌کردند که قرار بود برگزار شود. جشنی که کمتر کسی از ده‌ها هزار تومان خرجی که برای آن از کیسه دولت رفت، سراغ گرفته و کمتر کسی کنجکاوی کرده است که قرار بود چه برنامه‌هایی در این جشن‌ها برگزار شود. می‌دانیم که بنا به تصمیم دربخانه و وزارت تشریفات که هدایتش را ظهیرالدوله، داماد شاه، برعهده داشت، قرار بود جشن‌ها از ۱۸ اردیبهشت ۱۲۷۵ به مدت هفت شبانه‌روز برگزار شود. برنامه‌ریزی‌های کاملی انجام شده بود و مهمانان ویژه‌ای هم از داخل ایران و خارج دعوت شده و همه آماده بودند تا این جشن‌ها به بهترین شکل ممکن برگزار شود. اما ترور موفق شاه، همه برنامه‌ریزی‌ها را برهم زد. برنامه‌ریزی‌هایی که ردپایشان را حالا، بعد از ۱۲۲ سال، در روزنامه‌های فرنگی و خاطرات ظهیرالدوله می‌توان دید.

■ صاحبقَرانی که «قَران» را ندید!

تا ماجرای ترور ناصرالدین‌شاه قاجار و جشن پنجاهمین سالگرد سلطنتش به میان می‌آید، بلافاصله ذهن همه به سمت جشن «قَران» می‌رود. اما این «قَران» چه بود و چرا مهم‌ترین لقب ناصرالدین‌شاه قاجار، «سلطان صاحبقران» است؟ به باور عمومی صاحبقران به سلطانی می‌گفتند که پنجاه سالگی سلطنت را که معادل نیم قرن است، پشت سر گذاشته باشد. اتفاقی که تا پیش از ناصرالدین شاه، حداقل از بعد صفویه رخ نداده بود و کمتر شاهی توانسته بود به این رکورد دست پیدا کند. اما ناصرالدین‌شاه برای این که صاحبقران شود، چند روزی کم داشت! پیش از او شاه‌عباس صفوی، نادر و سلطان حسین بایقرا، در تاریخ به صاحبقران معروف بودند. خود ناصرالدین‌شاه هم روی سکه‌ها، ملقب به صاحبقران بود و حتی کاخی باشکوه را به این نام در شمال تهران نام‌گذاری کرده بود. تا سال ۱۳۰۰ هـ.ش، هر قرن معادل ۹۰ سال بود و به همین دلیل، برای احتساب نصف قرن، یک دوره سی ساله را به اسم قران نام‌گذاری می‌کردند. ناصرالدین‌شاه در سال ۱۲۹۳ قمری، برابر با ۱۲۵۵ شمسی که سی امین سالگرد سلطنت خود را پشت سر می‌گذاشت، سکه‌ای ضرب کرد و صاحبقران را به عنوان لقب انتخاب کرد؛ لقبی که پشت الماس کوه‌نور هم حک شده بود تا او به پیش کلاهش بیاویزد. پس او در حقیقت در حال آماده‌سازی جشن پنجاه سالگی سلطنتش بود.

■ ۳ ماه برنامه‌ریزی برای یک جشن

در بیشتر کتاب‌های تاریخی آمده است که در ابتدای سلطنت ناصرالدین‌شاه، پیشگویی معروف به او گفته بود که تو از پنجاه سال یک روز کمتر سلطنت می‌کنی. اگر بتوانی از ساعت نحس قَران رد شوی، می‌توانی پنجاه سال دیگر هم سلطنت کنی! ناصرالدین‌شاه ۴۰ روز بعد از مرگ پدرش محمدشاه، در ۲۳ ذیقعده ۱۲۶۴، تاج سلطنت را از مهدعلیا مادرش در تهران تحویل گرفت و به عنوان شاه ایران تاجگذاری کرد. بنابراین، روز ۲۳ ذیقعده ۱۳۱۳ برابر با ۱۷ اردیبهشت ۱۲۷۵، اولین روز پنجاهمین سال سلطنتش می‌شد. به

Le Petit Parisien
SUPPLÉMENT LITTÉRAIRE ILLUSTRÉ
L'ASSASSINAT DU SHAH DE PERSE

تصویر جلد مجله لو پتیت پاریسین که گزارش ترور ناصرالدین شاه در آن درج شده است

همین دلیل، آن‌طور که عبدا... مستوفی در «شرح زندگانی من» نوشته است، برنامه‌ریزی برای برگزاری جشن «قَران» از ابتدای زمستان به صورت جدی وارد دستور کار دولت و دربخانه و جزئیاتش رفته رفته منتشر شد. مستوفی نوشته است: «هر قدر به ماه ذیقعده نزدیک‌تر می‌شدند، جزئیات آن بیشتر در افواه منتشر می‌گشت. می‌گفتند از تمام دول اروپا نماینده مخصوص برای این جشن‌ها خواهد آمد و هدیه‌های رؤسای دول خود را تقدیم خواهند داشت. از روز شنبه ۱۸ ذیقعده این جشن‌ها شروع و به روز جمعه ۲۴ ختم خواهد شد. ادارات دولتی مشغول تدارک مقدمات آذین‌بندی سردرهای عمارت خود بودند و مقرر شده بود تمام دکان‌های بازار و خیابان‌ها با چلچراغ و جار و لاله و لامپ و آیینه و گل و سبزه تزیین شود. مردم تهران وعده تماشای کلانی به خود می‌دادند.» روزنامه تایمز نیز در گزارشی که در فروردین همان سال منتشر کرد، نوشت: «تمام شهرهای ایران و به ویژه تهران، خود را آماده می‌کنند تا در تاریخ ۶ ماه می، پنجاهمین سالگرد تاجگذاری شاه را با مراسمی هر چه باشکوه‌تر جشن بگیرند. امپراتور روسیه نیز، به این مناسبت، قبضه آتشبار توپ صحرایی کروپ و مقداری مهمات به شاه اهدا کرده است. قرار است که این هدایا به هنگام مناسب برای جشن‌ها وارد تهران شوند.» این گزارش که کمتر از ۱۰ روز مانده به آغاز جشن‌ها منتشر شده بود، نشان می‌دهد که ایرانی‌ها تدارک گسترده‌ای را برای برگزاری جشن دیده بودند. اما هیچ کدام از این‌ها دقیقاً نمی‌گویند که چه برنامه‌ای قرار بود برای این جشن اجرا شود. گزارش‌های بعدی این روزنامه‌ها و مجلات، اخباری از ترور شاه و معرفی قاتل او و شرحی از شهری ماتم‌زده است، با تزییناتی که یکی یکی جایشان را با سیاهی‌ها و کتیبه‌ها عوض می‌کردند. اما تنها کسی که شرح این جشن را نوشته، علی‌خان ظهیرالدوله داماد شاه و وزیر تشریفات است که به شرح ترور شاه و ماجراهای قبل و بعد از آن می‌پردازد.

■ مهمانان خارجی با هدایایی برای صاحبقران

علی‌خان ظهیرالدوله چهره‌ای شناخته شده است. جدا از دامادی شاه، او بنیان‌گذار انجمن اخوت محسوب می‌شد. اما در اردیبهشت ۱۲۷۵ هـ.ش، سِمَت اصلی او وزارت تشریفات خاصه بود. چند روز پیش از جشن، یعنی شب ۴ اردیبهشت ۱۲۷۵، آن‌طور که نوشته است، برای آرامش اعصاب و رفع خستگی، به باغ قصر قاجار رفتند تا به اصطلاح، خوش بگذرانند. در بین مهمانی بود که ابوالقاسم‌خان، پیشخدمت مخصوص تشریفات، برایش پاکتی را می‌آورد که می‌گوید از طرف میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان است. از آن جا که ظهیرالدوله در گیر مهمانی بود، تا فردا صبح این پاکت را باز نکرد و فردا، بعد از این که مهمانی تمام شد، آن را باز کرد و متوجه شد که صورت تشریفات جشن بزرگ پنجاه سالگی سلطنت ناصرالدین‌شاه است؛ جشنی که به گفته ظهیرالدوله، همه بار و زحمتش تکلیف وزارت تشریفات بود و آن‌ها از همان روز باید سر گرم مقدماتش می‌شدند؛ اما این تشریفات چه بود؟ بر اساس آن چه ظهیرالدوله نوشته است، قرار بود جشن‌ها، به مدت هفت شبانه‌روز، در تهران برگزار شود: «ابتدا از روز بیست و دویّم شهر ذی‌القعده ۱۳۱۳ الی غرّه شهر ذی‌الحجه الحرام ۱۳۱۳ پیجی ئیل (سال میمون) ۷ شب، هر شب در یکی از نقاط مفصله ذیل، ان شاءا... تعالی آتش‌بازی خواهد شد.» بر اساس برنامه‌ریزی، «از شب بیست و دوم الی بیست و چهارم، این سه شب در تمام شهر از بازارها و کاروانسراها و دکاکین چراغان خواهد شد: باب همایون، سردر شمس‌العماره، تخت مرمر، سبزه‌میدان، میدان توپخانه، پارک صدراعظم و امیریه.» نکته جالب این بود که هر شب و روز، کاروان سلطنتی و مهمانان در یک جای مشخص جشن می‌گرفتند و همزمان مردم هم باید دکان‌ها را تعطیل و در جشن شرکت می‌کردند. جشن‌ها ۱۶ اردیبهشت ۱۲۷۵ برابر با بیست و دوم ذیقعده، یک روز مانده به سالگرد تاجگذاری، با آیین آتش‌بازی، در باب‌همایون آغاز می‌شد. فردای آن روز، سلام عام در تالار تخت مرمر با حضور اعضای هیئت‌های دیپلماتیک شامل نمایندگان کشورهای صاحب سفارت‌خانه در ایران برگزار و همزمان با این دیدار و عرض تبریک، پنجاه گلوله توپ شلیک می‌شد. مراسم روز دوم که همزمان با سالگرد تاجگذاری بود، در عمارت بادگیر برنامه‌ریزی شد: «در ساعت هشت بعد از ظهر، کُر (هیئت) دیپلماتیک در عمارت بادگیر به شام دعوت شده و سایر طبقات در تالارهای موزه الی نارنجستان برای مهمانی سواره دعوت خواهند شد. بعد از صرف شام ذات اقدس همایونی در تالار شمس‌العماره کُر دیپلماتیک را به حضور خواهند خواست و بعد از آن که کُر دیپلماتیک مرخص شدند، در جلوی عمارت تخت مرمر، چراغان و آتش‌بازی خواهد شد.» این مهمان‌ها تا زمانی که شاه قصد زیارت کرد، دعوت شده بودند. ظهیرالدوله آن‌طور که نوشته است، مشغول آماده‌سازی بقیه مراسم و نظارت بر طاق بستن خیابان‌ها و تزیینات بود که دستور از شاه به امین‌السلطان می‌رسد که او باید فردا در رکابش باشد تا به زاویه مقدسه بروند. این دستور، ۱۱ اردیبهشت‌ماه ۱۲۷۵ می‌رسد. امین‌السلطان، خیلی هم راضی به این کار نبود؛ اما در نهایت مجبور به رفتن همراه شاه می‌شود. زیارتی که آخرین ساعت زندگی شاهی را رقم می‌زند که قصد داشت برای سلامتی و گذر از نحسی قَرانش دعا کند!

منبع: تاریخ ایرانی

تاریخ معاصر

رژیم پهلوی؛ بزرگ‌ترین تأمین کننده نفت اسرائیل

منیر عزری

در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، عمده‌ترین محورهای همکاری اقتصادی ایران و رژیم صهیونیستی، مسئله نفت بود که ایران را به منزله مهم‌ترین منبع تأمین کننده نفت این رژیم درآورد. می‌توان گفت که همکاری نفتی و فروش گسترده نفت خام ایران به اسرائیل، از مهم‌ترین جنبه‌های روابط رژیم پهلوی و صهیونیست‌ها بود که جنجال بسیاری در مناسبات ایران و اعراب به وجود آورد. به گزارش پایگاه موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، همکاری رژیم شاه با صهیونیست‌ها یک سال پس از کودتای ۲۸ مرداد آغاز شد. بسته شدن موقتی کانال سوئز، به دنبال حمله انگلستان، فرانسه و رژیم صهیونیستی به مصر، در اکتبر ۱۹۵۶، همکاری نفتی گسترده‌تری بین رژیم پهلوی و صهیونیست‌ها به وجود آورد، به این دلیل که دولت شوروی، به عنوان حامی جمال عبدالناصر، به محض حمله رژیم صهیونیستی به مصر، مناسبات سیاسی خود را با این رژیم قطع کرد و مانع ارسال نفت به فلسطین اشغالی شد. از این رو برای صهیونیست‌ها، ایران تنها جایگزین نفت شوروی به حساب می‌آمد. در تابستان ۱۹۵۷ نماینده شرکت ملی نفت ایران وارد سرزمین‌های اشغالی شد تا با «مئیر عزری»، سفیر رژیم صهیونیستی، «لوی اشکول» و «پینهاس ساپیر»، وزیر بازرگانی و صنعت رژیم صهیونیستی درباره فروش نفت مذاکره کند. صهیونیست‌ها این شخص را در خانه امنی در حومه تل‌آویو سکونت دادند و تعداد بسیار کمی از مقامات رژیم صهیونیستی با او ملاقات کردند. پس از چند روز مذاکره، سرانجام قرارداد امضا شد که به موجب آن، نفت ایران به بهای بشکه‌ای ۱/۳۰ دلار به اسرائیل فروخته شد. خط لوله ۳۲ اینچی از سرزمین‌های اشغالی که هزینه آن ۱۱۰ میلیون دلار می‌شد، می‌توانست نفت ایران را از ایلات به اشکلون و از آن جا به اروپا بفرستد. آمریکایی‌ها با این طرح موافقت کردند و نخست‌وزیر انگلیس نیز فرستاده ویژه‌ای برای بحث درباره این موضوع به اسرائیل اعزام کرد. شاه موافقت اصولی خود را با این طرح اعلام کرد. سه تن از نیرومندترین افراد نزدیک به شاه، از طرح پشتیبانی می‌کردند؛ «اسدا... علم» وزیر دربار، «امیرعباس هویدا» نخست‌وزیر و «دکتر منوچهر اقبال» مدیرعامل شرکت نفت. سرانجام ایران موافقت خود را اعلام کرد. آغاز کار لوله جدید، مصادف با اوج جنگ فرسایشی در امتداد کانال سوئز بود و چنین به نظر می‌رسید که بهره‌برداری از آن، با تأخیر مواجه خواهد شد، اما در بهمن ۱۳۴۸ کار انتقال نفت ایران به سرزمین‌های اشغالی آغاز شد و تا پیروزی انقلاب اسلامی، مهم‌ترین منبع تأمین نفت رژیم صهیونیستی، همین خط لوله بود.

گزارش تاریخی

اوج گیری زاغه نشینی در دوره پهلوی

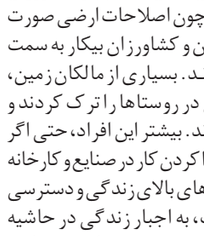

شاه در ۲۸ فروردین سال ۱۳۴۱ اعلام کرد: «اکنون ۷۵ درصد از مردم ایران در کشاورزی و ۲۵ درصد در صنایع به کار اشتغال دارند و طی ۲۰ سال آینده، این نسبت باید معکوس شود و بیشتر از ۲۵ درصد از اهالی کشور در کارهای زراعتی مشغول نباشند». به گزارش پایگاه موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، این دیدگاه ناصواب، مبنای آغاز طرح‌ها و سیاست‌های اقتصادی پهلوی دوم، همچون اصلاحات ارضی بود که پیش‌نویس آن با عنوان اصلاحات به اصطلاح انقلاب سفید، در شش اصل و در اواخر دهه ۳۰ تهیه شد و اصل اول آن به اصلاحات ارضی اختصاص یافت. ظاهراً هدف از اجرای این قانون، اصلاح وضعیت کشاورزی و تبدیل ایران به یک کشور صنعتی بود؛ اما اجرای این قانون کشور را با مشکلات عدیده اقتصادی مواجه کرد که به جرئت می‌توان گفت برخی از تبعات آن، حتی بعد از انقلاب نیز تا حدودی باقی مانده بود. نابودی کشاورزی، صنعت وابسته به غرب و رشد حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ، از جمله این مشکلات بود. به‌رغم ایجاد تسهیلات مناسب برای فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی، اغلب صنایعی که توسط این افراد یا شرکت‌ها وارد کشور می‌شد، سرمایه‌بر بود و اشتغال زیادی در آن بخش ایجاد نمی‌کرد. از این رو، نه تنها سیاست اشتغال‌زایی ۷۵ درصدی در بخش صنعت محقق نشد، بلکه با شکل‌گیری صنعت وابسته به سرمایه‌داری غرب، بخش صنعتی از رشد و گسترش بازماند. علاوه بر این، اشکال بهره‌کشی و استثمار نیز تا حدود زیادی تغییر و کار را برای بسیاری از کشاورزان مشکل کرد. با تضعیف بخش کشاورزی و بیکار شدن بخش عظیمی از کشاورزان که تحت تأثیر سیاست‌هایی چون اصلاحات ارضی صورت گرفت، بسیاری از روستاییان و کشاورزان بیکار به سمت شهرهای بزرگ هجوم آوردند. بسیاری از مالکان زمین، به ناچار کشاورزی و زندگی در روستاها را ترک کردند و وارد بازار کار در شهرها شدند. بیشتر این افراد، حتی اگر در بهترین حالت موفق به پیدا کردن کار در صنایع و کارخانه‌ها می‌شدند، به دلیل هزینه‌های بالای زندگی و دسترسی نداشتن به امکانات سکونت، به اجبار زندگی در حاشیه شهرها را انتخاب می‌کردند. هر چند در نهایت، بسیاری از آنان به دلیل بیکاری زاغه‌نشین شدند و حلبی‌آبادهای اطراف شهرها را شکل دادند. فقیرتر شدن چند میلیون روستایی، سیر صعودی بیکاری، کار با مزد کم طی دهه ۱۹۶۰ و آبیاری ناکافی و... رشد فزاینده‌های کشاورزی در سال را تنها به دو درصد رساند؛ حال آن که سالانه ۳ درصد بر تعداد جمعیت و ۶ درصد بر مخارج زندگی افزوده می‌شد.

سخن بزرگان

زیباترین و به یادماندنی‌ترین سخنان مشاهیر در صفحه «همشهری سلام»

شماره بایگانی شعبه: ۹۶۰۶۶۰

پیرو آگهی‌های قبلی به خوانده علیرضا کامل نیکوکار طوس فعلا مجهول‌المکان می‌باشند ابلاغ می‌شود در مورد دادخواست آرزو فرخی به طرفیت شما به خواسته مطالبه وجه چک به موجب شماره ۹۶۰۹۹۷۷۵۰۱۴۰۰۶۰۰۱۱ محکومیت خوانده به پرداخت ۱- مبلغ چهل و پنج میلیون و نهصد هزار ریال اصل خواسته (وجه یک فقره چک) ۲- مبلغ یک میلیون و چهارصد و بیست و هفت هزار و پانصد ریال خسارات دادرسی (هزینه دادرسی و حق‌الدرج آگهی روزنامه) ۳- پرداخت خسارت تاخیر تادیه وجه چک از تاریخ سررسید آن ۹۶/۲/۱۵ تا یوم‌الادا بر مبنای آخرین نرخ تورم اعلام شده بانک ملی مرکزی جمهوری اسلامی ایران که محاسبه دقیق آن توسط اجرای احکام شورای حل اختلاف انجام خواهد شد در حق خواهان صادر و اعلام می‌گردد و مراتب بدین‌وسیله در روزنامه درج می‌گردد، رای صادره غیابی و از تاریخ درج در روزنامه در مهلت قانونی قابل واخواهی در این شورا است م الف ۵۷۷۹
متصدی امور دفتری شعبه ۱۴ شورای حل اختلاف مجتمع شماره یک
شهرستان مشهد- فاطمه صدیقی چهاربرج
مشهد- ابتدای خیابان خواجه‌ربیع- روبروی آبیا... عبادی ۸
م/۹۷۰۲۵۵۴۹

شماره بایگانی شعبه: ۹۶۰۱۶۶

پیرو آگهی‌های منتشره در جراید بدین‌وسیله به محکوم علیه محضرا ضا اکرمی زاهد مجهول‌المکان می‌باشد ابلاغ می‌گردد چون وفق دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۷۵۰۱۴۰۰۵۴۲ صادره از شعبه ۱۴ در پرونده شماره ۹۶۰۹۹۸۴۵۰۱۴۰۰۱۶۶ به پرداخت ۱- مبلغ ۱۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته ۲- خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید چک (۹۵/۹/۲۵) الی یوم‌الاداء که بر مبنای نرخ تورم بانک مرکزی در واحد اجرای احکام محاسبه می‌شود ۳- مبلغ ۱/۵۰۵/۰۰۰ ریال بابت هزینه دادرسی ۴- مبلغ ۱۵۰/۰۰۰ ریال حق‌الدرج آگهی روزنامه در حق محکوم له (مجتبی ظریفیان زیبالوی) و نیم عشر دولتی شد‌ابد ظرف ده روز از انتشار این آگهی مهلت دارید نسبت به اجرای مفاد اجرائیه اقدام نمایید در غیراین صورت دایره اجرای احکام طبق مقررات نسبت به وصول مطالبات با هزینه اجرایی اقدام خواهد نمود. م الف ۵۷۷۸
مسئول دفتر شعبه ۱۴ شورای حل اختلاف مجتمع شماره یک
شهرستان مشهد- نصرآبادی
مشهد- ابتدای خیابان خواجه‌ربیع- روبروی آبیا... عبادی ۸
م/۹۷۰۲۵۵۴۳

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه خانم سمانه رزاقی برابر وکالتنامه ۵۴۴۳۸ تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۸ دفترخانه ۱۰۵ مشهد به وکالت از طرف خانم طیبه عیش‌آبادی به استناد اوراق استشهادیه جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است سند مالکیت شماره‌ثبت ۴۶۲۰۱۶ ثبت و سند مالکیت به شماره ۰۶۰۲۰ ب ۹۳ صادر گردیده است لذا به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت، مراتب یک نوبت آگهی و متذکر می‌گردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد، بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت و یا سند معامله رسمی به اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به مراجع قضایی تقدیم نماید. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۷/۲/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۷/۳/۳
امیر جعفری- رئیس ثبت اسناد واملاک خواف
م/۹۷۰۲۵۱۷۶ش

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۶۶۳۰۶۰۱۴۰۰۰۸۲۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک خواف تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم امیره شبان لاجی فرزند عبدالحسین بشماره شناسنامه ۱۰۳۴ صادره از خواف در شهرستان خواف